

امام صادق عليه السلام

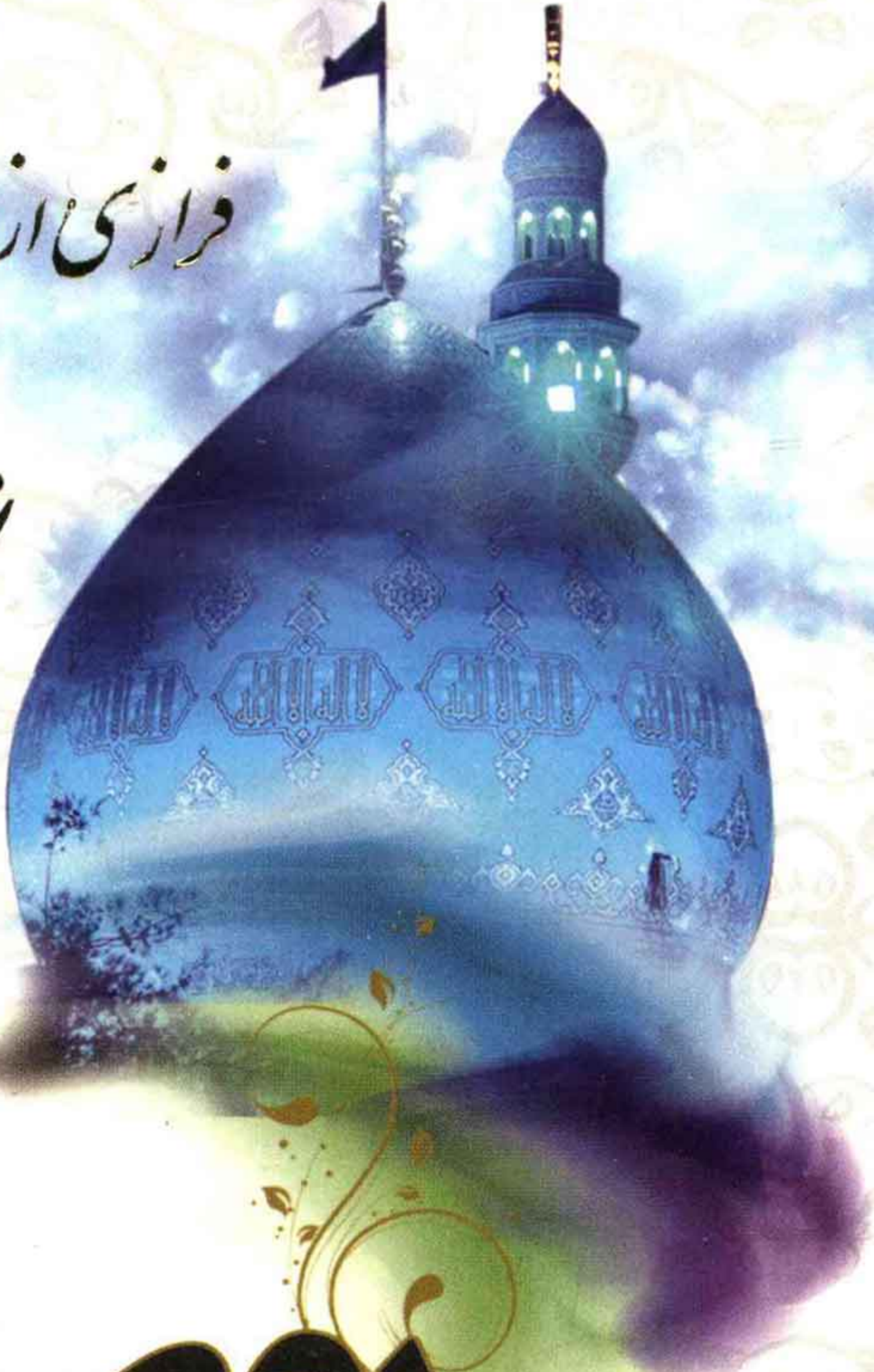
اگر زمان او را (امام زمان (عج)) درک می کردم
تمام ایام عمر را در خدمتش می گذراندم

الغیبه نعمانی حدیث ۴۶

فرار می از خطبه شریف

غدير

در باره حضرت



(عج)

ولعی مصر

مؤلف:
غلامرضا حاتمی

فراز می از خط شریف غدیر و باره
حضرت

ولی عصر (علیه السلام) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

لَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِهِ

اگر زمان او را (امام زمان ع) درک می کردم تمام ایام عمر را در خدمتش می گذراندم

«الغیبه نعمانی حدیث ۴۶»

امام چهارم (علیه السلام) فرمودند:

اِنْتِظَارُ الْفَرَجِ عِبَادَةٌ

انتظار فرج عبادت است

«یوم الخلاص ص ۲۲۰»



عنوان و نام پدیدآور ولی عصر علیه السلام؛ غلامرضا حاتمی، ۱۳۱۶
مشخصات نشر مشهد: الماس شرق، ۱۳۸۸
شابک ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۲۹-۰۶-۳
وضعیت فهرست نویسی فیبا
موضوع دینی
موضوع امام زمان ع
رده‌بندی کنگره PIR ۳۰۲۴ / ت ۴۴ ق ۹ ۱۳۸۸
رده‌بندی دیویی ۸۹/۶۱ فا ۸
شماره کتابشناسی ملی ۱۲۳۴۰۰۴

ولی عصر (علیه السلام)

مؤلف غلامرضا حاتمی ۰۵۱۱۲۲۲۱۱۵۵
نوبت چاپ اول / ۱۳۸۸
شمارگان ۳۰۰۰ نسخه
چاپخانه ابرار ۰۵۱۱-۷۲۵۸۹۶۴
شابک ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۲۹-۰۶-۳
قیمت ۳۰۰ تومان
ناشر الماس شرق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَ أَبِيهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا وَ السِّرِّ

المُستودعِ فِيهَا بَعْدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ



اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ ابْنَ الْحَسَنِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ فِي
هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَ لِيَا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ
عِينًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

قنوت حضرت امام رضا (عليه السلام):

اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدِكَ وَ خَلِيفَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ بِهِ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلَكَ وَ حُقَّةُ
بِمَلَأْتَكْتِكَ وَ أَيْدُهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ وَ اسْلُكُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ
رَصْدًا يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ أَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا يَعْْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ
بِكَ شَيْئًا وَ لَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلَى وَلِيِّكَ سُلْطَانًا وَ آتِذْنُ لَهُ فِي
جِهَادِ عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

بزرگانی از علمای شیعه توصیه کرده‌اند که برای سلامتی و فرج حضرت

ولی عصر عجل الله تعالی فرجه حداقل روزی صد مرتبه ذکر شریف:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

را قرائت نمایند



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا وَ

نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

رسول خدا ^(صلی الله علیه و آله) پس از ادای فریضه حج در سفر تاریخی
حَجَّةُ الْوِدَاعِ در خطبه غدیر، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه
الشریف) را معرفی نموده و از ایشان نام برده‌اند و برخی
خصوصیات ظهور آن گرامی را بیان نموده‌اند، که بی تردید این
کلام سخن پیامبر ^(صلی الله علیه و آله) ۲۴۵ سال پیش از تولد امام زمان (ع) از
اخبار غیبی رسول اکرم ^(صلی الله علیه و آله) به شمار می‌آید.
رسول خدا ^(صلی الله علیه و آله) در این خطابه، صفات مؤمنان را بیان
فرموده و از وجود منافقان در میان امتش خبر داده، و به فتنه
انگیزی‌های آنان بعد از وفاتش هشدار داده است.



فرازی از خطبه غدیر

.... أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَئِمَّةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ. أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى
الدِّينِ. أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ. أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الحُصُونِ وَهَادِمُهَا.
أَلَا إِنَّهُ غَالِبُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشَّرْكِ وَ هَادِيهَا. أَلَا إِنَّهُ الْمُدْرِكُ
بِكُلِّ نَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ. أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدينِ اللَّهِ. أَلَا إِنَّهُ الْغَرَّافُ مِنْ بَحْرِ
عَمِيقٍ. أَلَا إِنَّهُ يَسِمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَ كُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ. أَلَا
إِنَّهُ خَيْرُهُ اللَّهُ وَ مُخْتَارُهُ. أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَ الْمُحِيطُ بِكُلِّ فَهْمٍ.
أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ الْمَشِيدُ لِأَمْرِ آيَاتِهِ. أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ
السَّدِيدُ. أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَيْهِ. أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ مِنْ
الْقُرُونِ بَيْنَ يَدَيْهِ. أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةٌ وَ لَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَ لَا حَقَّ إِلَّا
مَعَهُ وَ لَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ. أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَ لَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ. أَلَا وَ أَنَّهُ
وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَ حَكَمُهُ فِي خَلْقِهِ، وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَ عِلَانِيَتِهِ.

.... فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَالِدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

.... مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي عَلِيٍِّّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
وَالْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَمِنْهُ إِمَامَةٌ فِيهِمْ قَائِمَةٌ.
خَاتِمُهَا الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمٍ يَلْقَى اللَّهُ الَّذِي يُقَدِّرُ وَيَقْضِي.

آگاه باشید! همانا آخرین امام، قائم مهدی، از ماست. هان! او بر
تمامی ادیان چیره خواهد شد. هشدار! که اوست انتقام گیرنده از
ستمکاران. هشدار! که اوست فاتح دژها و منهدم کننده‌ی آنها.
هشدار! که اوست چیره بر تمامی قبایل مشرکان و راهنمای آنان.
هشدار! که او خونخواه تمام اولیای خداست. آگاه باشید! اوست
یاور دین خدا. هشدار! که از دریایی ژرف پیمان‌هایی افزون گیرد.
هشدار! که او به هر ارزشمندی به اندازه‌ی ارزش او، و به هر نادان و
بی‌ارزشی به اندازه‌ی نادانی‌اش نیکی کند. هشدار! که او نیکو
برگزیده‌ی خداوند است. هشدار! که او وارث دانش‌ها و حاکم
بر ادراک‌هاست. هان! بدانید که او از سوی پروردگارش سخن
می‌گوید و آیات و نشانه‌های او را برپا کند. بدانید همانا اوست
بالیده و استوار. بیدار باشید! هموست که (اختیار امور جهانیان و آئین



آنان) به او واگذار شده است، آگاه باشید که تمامی گذشتگان
ظهور او را پیشگویی کرده اند. آگاه باشید!
که اوست حجّت پایدار و پس از او حجّتی نخواهد بود.^۱ درستی و
راستی و نور و روشنایی تنها نزد اوست. هان! کسی بر او پیروز نخواهد
شد و ستیزنده‌ای بر او یاری نخواهد گشت. آگاه باشید که او ولی خدا
در زمین، داور او در میان مردم و امانتدار امور آشکار و نهان است.

.... پس بایسته است این سخن را حاضران به غایبان و پدران به
فرزندان تا بر پایی رستاخیز برسانند.

.... آن چه از سوی خداوند آورده ام درباره ی علی امیر المؤمنین و
اوصیای پس از او که آنان از من و اویند. و این امامت به وراثت پایدار
است و فرجام امامان، مهدی است و استواری امامت تا روزی است که
او با خداوند قدر و قضا دیدار کند.

۱ - این تعبیر به عنوان حجّت و امامت است و نظری به رجعت دیگر امامان ندارد زیرا
آنان حجّت های پیشین اند که دوباره رجعت خواهند نمود.



روایاتی از معصومین در باره امام زمان (عج)

چرا برای فرج امام زمان (علیه السلام) باید زیاد دعا کنیم؟

۱- زیرا: خداوند در قرآن کریم می فرماید: «قُلْ مَا يَعْزُبُكُمْ لَوْلَا

دَعَاكُمْ» اگر دعای شما نباشد، خداوند هیچ اعتنایی به شما نمی کند.^۱

۲- همچنین: خداوند ما را امر به دعا کرده است: «ادْعُونِي

أَسْتَجِبْ لَكُمْ» مرا بخوانید، شما را اجابت می کنم.^۲

۳- و به دلیل اینکه: ما باید احساس نیاز خود را به وجود امام، با

دعای خاضعانه به سوی پیشگاه الهی ابراز کنیم و او را از خدا بخواهیم.

شخصی از حضرت زهرا (سلام الله علیها) سوال کرد: سرورم چرا

حضرت علی (علیه السلام) حق خود را نگرفتند؟ حضرت زهرا (سلام

الله علیها) فرمودند: مَثَلِ اِمَامٍ مَثَلِ كَعْبَةٍ اِسْتِ که باید مردم به سوی

او بروند، نه آنکه امام نزد آنان بشتابد.^۳

۴- و به دلیل اینکه: اگر دعا نکنیم هلاک خواهیم شد.

۱- سوره فرقان: آیه ۷۷

۲- سوره مؤمن: آیه ۶۰

۳- بحار الانوار: ج ۳۶، ص ۳۵



امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند:

به خدا قسم، امام زمان (علیه السلام) غیبتی خواهد داشت که در آن زمان تنها کسی از هلاکت نجات می یابد که خدای عزوجل بر اعتقاد به امامت، او را ثابت قدم بدارد و در دعای بر فرج و ظهور آن حضرت توفیق دهد.^۱

۵- و همچنین: با دعا نکردن برای فرج از برکات وجود امام

محروم می شویم.



امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

اگر شما، همه با هم به درگاه الهی ضَجَّه و ناله کرده و فرج را می خواستید خداوند هم فرج ما را نزدیک می کرد. اما اگر با ضَجَّه و ناله دعا نکنید (سختی غیبت و محرومیت از امام) تا نهایت خود به طول خواهد انجامید.^۲



۱ - کمال الدین: ج ۲، ص ۳۸۴

۲ - بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۱۳۱

پیامهای متعدد امام زمان (علیه السلام) به شیعیان در تمام طول غیبتشان:
امام زمان (علیه السلام) فرمودند: برای فرج، زیاد دعا کنید چرا
که این زیاد دعا کردن، خود فرج و گشایش کار شماست^۱ (که این
اشاره به بی نیازی حضرت از ماست)

امام زمان (علیه السلام) فرمودند: من برای مؤمنی که یادآور
مصیبت جدّ شهیدم شود، سپس برای تعجیل فرج و تایید من دعا
کند، دعا می کنم^۲.

۶- و به دلیل اینکه: با ظهور امام زمان (علیه السلام) عدالت واقعی
بر روی زمین حاکم خواهد شد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: خداوند به وسیله
مهدی، از امت رفع گرفتاری می کند، دلهای بندگان را با عبادت و
اطاعت لبریز می کند و عدالتش همه را فرا می گیرد، خداوند به
وسیله او دروغ و دروغگویی را نابود می سازد روح درندگی و ستیزه
جویی را از بین می برد و ذلت بردگی را از گردن آنها بر می دارد^۳.



۱ - کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵

۲ - مکیال المکارم: ج ۲، ص ۷۵

۳ - بحار الانوار: ج ۵۱، ص ۷۵

امام حسین (علیه السلام) فرمودند:

در حکومت حضرت مهدی (علیه السلام) هیچ نابینا، زمین گیر و دردمندی بر روی زمین نمی ماند مگر آنکه خداوند درد او را بر طرف می سازد.^۱

۷- و به دلیل اینکه: شکر نعمت واجب است و نعمت واقعی، امام زمان (علیه السلام) است.

حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) در تفسیر آیه: «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً» و نعمت های خویش را آشکار و نهان بر شما کامل نمود.^۲ فرمودند: نعمت ظاهری، امام ظاهر و نعمت باطنی، امام غائب است (یعنی امام زمان (علیه السلام)).^۳

۸- و به دلیل اینکه:

دژ محکم و پناهگاه واقعی امام زمان (علیه السلام) است و به واسطه او بلاها از ما دفع می شود.

۱- بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۶۲

۲- سوره لقمان، آیه ۲۰

۳- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۴

امام زمان (علیه السلام) فرمودند:

من خاتم اوصیاء هستم و تنها به وسیله من بلا از خانواده و شیعیانم دفع می گردد.^۱

امام زمان (علیه السلام) به شیخ مفید فرمودند: ما نظر خود را از شما بر نمی گیریم تا به حال خود رها شوید، و فراموشتان نمی کنیم و گرنه دشمنان شما را از بین می بردند.^۲

و شکر احسان کننده، دعای خاضعانه در حق اوست. زیرا:

امام سجاد (علیه السلام) فرمودند:

اما حق کسی که درباره ات نیکی نماید آن است که او را سپاس گویی و کار نیکش را بازگو کنی و با عظمت از او یاد کرده و با اخلاص بین خود و خدایت در حقش دعا نمایی. پس اگر این کار را کردی شکر او در نهان و آشکار به جای آورده ای.^۳ (بنابراین دعا برای فرج امام زمان (علیه السلام) اداء حق حضرت و شکر واقعی نعمت وجود اوست).



۱ - مکیال المکارم، ج ۱، ص ۶۷

۲ - مکیال المکارم، ج ۱، ص ۷۲

۳ - رساله حقوق امام سجاد علیه السلام

۹- و به دلیل اینکه: اگر در طلب آن حضرت همگی همدل و هم صدا بودیم، از دیدار و ظهور آن حضرت بی نصیب نمی شدیم. چنانچه: امام زمان (علیه السلام) فرمودند: اگر شیعیان ما که خداوند آنها را بر طاعت خود توفیق دهد، بر پایه شناختی شایسته و صادقانه در راه وفا به پیمانی که بر دوش دارند همدل می شدند برکت دیدار ما از ایشان تاخیر نمی افتاد و سعادت دیدار ما برای آنان زودتر حاصل می شد!

بنابراین ای شیعه و دوستدار امام زمان (علیه السلام) اگر امید و فریادرسی از آن امام را در مشکلات دنیا و آخرت داریم و او را نجات دهنده بشریت از تمام مفساد فردی و اجتماعی می دانیم، و او را خَلِيفَةُ اللَّهِ و عَالِمٍ به جمیع علوم حقه می دانیم و اگر راست می گوئیم و او را از همه چیز و همه کس بیشتر دوست داریم چرا برای فرج او زیاد دعا نمی کنیم؟



شرح دعای حضرت امام حسین علیه السلام که بعد از نمازهای یومیه خوانده می‌شود:

حسین بن علی علیه السلام گوید خدمت رسول خدا صلی الله علیه و اله رسیدم، و اَبی بن کعب شرفیاب حضور بود، رسول خدا صلی الله علیه و اله به من فرمود مرحباً بر تو ای ابا عبدالله ای زینت آسمان و زمین!

اَبی بن کعب گفت: یا رسول الله جز تو زیب آسمان و زمین دیگری چگونه تواند بود؟ فرمود: یا اَبی بدان خدائی که مرا براستی فرستاده: حسین در آسمان از آن بزرگتر باشد که در زمین، و بر طرف یمین عرش خدای، او را چراغ هدایت و کشتی نجات بی شکست و سستی، و امام عزت و فخر و بحر علم، نوشته اند! و به راستی خدای عزوجل در پشت او یک نطفه ی پاکیزه، مبارکه‌ی، زکیه گذاشته است که پیش از آنکه خلقی در ارحام، یا نطفه‌ای در اصلاب باشد یا شب و روزی پدید گردد آن را آفریده است، و به او دعائی تلقین شده است که هیچ مخلوقی بدان دعا نکند مگر آنکه خدای عزوجل او را با وی محشور کند، و شفیع آخرت او باشد، و



گرفتاری او را بر طرف سازد، و قرضش را بدان ادا کند، و کارش را آسان گرداند و راهش را روشن نماید، و او را بر دشمنش نیرومند کند، و آبرویش را نبرد.

ابی گفت: یا رسول الله این دعا کدام است؟ فرمود: در تعقیب نمازها در حالی که نشسته ای می خوانی... پس به راستی خدای عزوجل کارت را آسان کند و سینه ات را بگشاید و شهادت بر (لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) را در هنگام جان دادن بتو تلقین کند (تا آخر حدیث که اینجا موضع حاجت ما نباشد).^۱

پند اندیش‌ها

- (۱) نماز اوّل وقت.
- (۲) انتخاب دوستان مناسب.
- (۳) تلاوت بسیار قرآن.
- (۴) رسیدگی به ضعفا و فقرای شیعه.
- (۵) اهمّیت صله ی رحم.

۱ - کمال الدین، ج ۱، باب ۲۴، ص ۳۸۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ وَ مَعَاقِدِ عَرْشِكَ، وَ سُكَّانِ
سَمَاوَاتِكَ وَ أَرْضِكَ، وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ، أَنْ تَسْتَجِيبَ لِي،
فَقَدْ رَهَقَنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا، فَاسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ
مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ عُسْرِي يُسْرًا.



اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَ الْعَافِيَةَ وَ النَّصْرَ وَ مُدْفِي عُمْرِهِ الشَّرِيفُ
وَ جَعَلْنَا مِنْ خَيْرِ أَنْصَارِهِ.



ای خرم از فروغ رخت لاله زار عمر
بازا که ریخت بی گل رویت بهار عمر
از دیده گر سرشک چو باران رود رواست
کاندر غمت چو برق بشد روزگار عمر
از یک دو دم که مهلت دیدار ممکن است
دریاب کار ما که نه پیدا است کار عمر



آشنایی با خوبان

داستان تشرّف جناب علی بن ابراهیم مهزیار اهوازی، که از روایت حدیثی شعیه است به تفصیل بیان شده است ولی برای بهره گیری بیش تر به خلاصه ای از آن می پردازیم:

علی بن مهزیار ۱۸ نوبت خانه ی خدا را زیارت کرد و جز یک نوبت - که به قصد ادای فریضه حجّ واجب، مشرف شده بود، موارد دیگر را به شوق زیارت حضرت صاحب الأمر تشرّف یافته بود، ولی توفیق زیارت مولا و محبوب نصیب وی نگردید. از این رو وقتی بار نوزدهم دوستانش در موسم حجّ نزد وی آمدند و از او خواستند که همراه شان تشرّف یابد، به خاطر یأس از ملاقات با حجّت خدا، نپذیرفت، ولی در همان شب در حال مکاشفه یک منادی او را ندا داد که: امسال نیز مشرف شو! بدان که شاهد مقصود را در بر خواهی گرفت و به دیدار محبوب نایل خواهی شد. بنابراین صبح فردا، نزد دوستانش آمد و به آنان اعلام آمادگی کرد، ولی علت تصمیم خود را نگفت. به هر حال سفر آغاز گردید و پس از طی منازل و انجام مناسک حجّ، باز هم دیو نومییدی بر او مستولی شد، زیرا در آخرین سفر، همانند سفرهای گذشته کمتر بویی را از محبوب استشمام نکرده و اندک بهره ای از زیارت جمال دل آرای

وی نبرده بود، بنابراین برای آخرین بار تصمیم به طواف بیت الله گرفت تا با این طواف خداحافظی به دیار خویش برگردد. به هنگام طواف جوانی زیبا روی نزد او آمد. سلام کرد و پرسید: محل سکونت کجاست؟ علی بن ابراهیم پاسخ داد: اهل اهواز هستم.

جوان: آیا ابن خضیب را می شناسی؟

علی: ابتدای ماه گذشته از دنیا رفت.

جوان: خداوند او را بیامرزد، زیرا که نماز را پاکیزه می گزارد و بسیار قرآن تلاوت می کرد.

جوان: ابن مهزیار را می شناسی: ابن مهزیار: من هستم.

جوان: خوشا بر احوالت، زیرا آقایت امام عصر (علیه السلام) مرا در پی تو فرستاده است تا تو را ببرم، لذا نیمه شب جمعه، قبل از اذان صبح، همین جا حاضر باش تا تو را نزد ایشان ببرم.

علی بن مهزیار پس از شنیدن این مژده گفت: دوستان خود را نیز همراه بیاورم؟ جوان: خیر!

ابن مهزیار: اینان از بهترین دوستان من هستند.

جوان: آنان لیاقت تشرّف به محضر ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را ندارند.



بدین سبب ابن مهزیار نزد دوستان آمد و با آنان خداحافظی کرد.
در موعد مقرر حاضر شد و پس از به جا آوردن نافله ی شب و نماز
صبح و تعقیبات، به سوی عقبه ی طائف حرکت کرد و در آنجا و در
دامنه کوه، منطقه ی سرسبزی را می بیند که خیمه ای افراشته شده است.

ابن مهزیار: این خیمه از آن کیست؟

جوان: متعلق به وجود مقدّس حضرت صاحب العصر و الزمان است.

ابن مهزیار پس از اجازه خواهی، به محضر مقدّس امام (علیه
السلام) شرفیاب شد و دستهای امام را بوسه زد. هنگامی که
دلدادگی و شیفتگی خود را به آن سرور عرضه می دارد گلایه دار
است، از اینکه انتظار دیدار بسیار طولانی شده است، امام می فرماید:
شما راه ملاقات را طولانی می کنید، زیرا:

(۱) توانگران شیعه به ضعف ترحم نمی کنند!

(۲) بی نیازان شما به فقرای شیعه کمک نمی کنند!

(۳) به صله ی ارحام نیز توجه نمی کنید!

آنگاه امام فرمودند: ای علی بن ابراهیم مهزیار می خواهم که

یک هفته مهمان من باشی.



انتظار

ای حجت غایب زمانها
ای سایه لطف و رحمت حق
در مکتب عشق، غیبت توست
بسیار شکوفه ها، شکفتند
بازاً که دوباره فصل گل شد
بس در که زباغها گشودند
در راه تو یاسمن گل افشان
سرو است بحالت خردار
اشک غم تو به چشم نرگس
چشم همه مانده بر در باغ
آنقدر نیامدی تو مهدی
پروانه ز بست نشست و برخاست
نومید زباغ پر زنان رفت
سوی ده و شهر رهنمونش
پنداشت که نور منزل توست
خاکستر او کنون توان یافت
در مدح تو نارسا بیانها
سلطان زمین و آسمانها
جانکاه ترین امتحانها
بگذشت بهارها، خزانها
از زیور حسن بوستانها
بستند به خدمت میانها
فرش قدم تو ارغوانها
صف بسته به رسم پادگانها
مرغان چمن سرود خوانها
آماده موبت مکانها
تا پیر شدند باغبانها
شد خسته دگر به گلستانها
بویت چو نجست بین آنها
سو سوی چراغ خانمانها
از دود فروغ آستانها
در اشک مزاب شمعدانها



دعای عهد

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که چهل صباح این عهد را بخواند از یاوران قائم ما باشد و اگر پیش از ظهور آنحضرت بمیرد خدا او را از قبر بیرون آورد که در خدمت آنحضرت باشد و حقتعالی به هر کلمه هزار حسنه او را کرامت فرماید و هزار گناه از او محو کند، و آن عهد این است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ وَ رَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ وَ مُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ رَبَّ الظِّلِّ وَ الْحَرُورِ وَ مُنْزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ وَ مُلْكِكَ الْقَدِيمِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُونَ وَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ بِهِ الْأَوْلَادُ وَ الْآخِرُونَ يَا حَيُّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَ يَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ وَ يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ يَا مُخَيِّ الْمَوْتَى وَ



مُمِيتَ الْأَحْيَاءِ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْأِمَامَ الْهَادِيَ
الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ عَنْ
جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا سَهْلِهَا وَ
جَبَلِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَعَنِّي وَعَنْ وَالِدَيَّ مِنَ الصَّلَوَاتِ زِنَةَ عَرْشِ
اللَّهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ وَمَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ وَأَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ
لَهُ فِي صَبِيحِهِ يَوْمِي هَذَا وَمَاعِشَتِي مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ
فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَدًا اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ
أَعْوَانِهِ وَالذَّابِّينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمُتَثَلِّينَ
لِأَوْامِرِهِ وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ
يَدَيْهِ اللَّهُمَّ إِنِّي حَالِي بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا
مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي وَمُوتِرًا كَفَنِي شَاهِرًا سَيْفِي مُجَرِّدًا قَنَاتِي
مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَ
الْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَاكْحَلْ نَاطِرِي بِنَظْرَةٍ مَنِي إِلَيْهِ وَعَجِّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ
مَخْرَجَهُ وَأَوْسِعْ مِنْهَجَهُ وَاسْئَلْكَ بِي مَحَجَّتَهُ وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ وَأَشْدُدْ أَرْزَهُ
وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ وَأَخِي بِهِ عِبَادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ



ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ فَآظِرِ اللَّهُمَّ لَنَا
 وَلِيَّكَ وَأَبْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ
 مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَزَقَهُ وَيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُحَقِّقَهُ وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا
 لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ وَ مُجَدِّدًا
 لِمَا عَطِلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَ مُشِيدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَ سُنَنِ
 نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ
 الْمُعْتَدِينَ اللَّهُمَّ وَ سُرِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَيْهِ وَ مَنْ
 تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ وَارْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا بَعْدَهُ اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْغُمَّةَ عَنْ
 هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَ عَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَ نَرَاهُ قَرِيبًا
 بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

سپس سه مرتبه دست بر ران راست خود میزنی و در هر مرتبه میگوئی

(الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مُوَلَّاكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ)

تشرّف سید بحر العلوم در حین نماز جماعت

علامه نوری (ره) در نجم الثاقب از عالم ربّانی و مؤید آسمانی آخوند
ملاّ زین العابدین سلماسی (ره) نقل نموده است که فرمود: ما با جناب سید
بحر العلوم در حرم امام هادی و امام عسگری علیهما السلام در حال نماز
بودیم. زمانی که ایشان بعد از تشهد رکعت دوم خواست برخیزد، حالتی
برای ایشان پیش آمد که اندکی توقف کردند و سپس برخاستند. بعد از
اتمام نماز همه ما تعجب کردیم و علت آن توقف را نمی دانستیم و کسی
از ما هم جرأت نمی کرد که علت را بپرسد.

بعد از نماز به منزل رفتیم و هنگام صرف غذا یکی از سادات حاضر
در مجلس به من اشاره کرد که علت را از آن جناب جویا شوم. من گفتم:
نه، تو از ما نزدیک تری. در این حال خود جناب سید رو به من فرمودند و
گفتند: درباره چه گفتگو می کنید؟ من که از همه جسارتم بیشتر بود
عرض کردم: دوستان می خواهند سرّ آن حالتی که برای شما در نماز روی
داد را بدانند.

ایشان فرمودند: حضرت حجّت علیه السلام برای سلام کردن بر پدر
بزرگوار خود وارد حرم شدند که آن حالت برای من پیش آمد. و بر آن
حال بودم تا آنکه از حرم مطهر خارج شدند.



تشرّف شیخ انصاری

در این تشرّف استاد عظیم الشان و عالم ربّانی شیخ مرتضی انصاری (ره) آن حضرت را در غیبت کبری می بینند در حالی که آن وجود مقدّس را در حین ملاقات شناخته اند.

یکی از برترین شاگردان مرحوم شیخ انصاری به نام آقا میرزا حسن آشتیانی نقل نموده است که: با گروهی از طلاب در خدمت شیخ بزرگوار به سمت حرم حضرت امیرالمؤمنین علیه الصلوة و السلام مشرف می شدیم که اتفاقاً بعد از ورود به صحن مطهر شخصی به ما برخورد و بر شیخ سلام کرد و برای بوسیدن دست شیخ و مصافحه جلو آمد.

بعضی از همراهان برای معرفی آن شخص به شیخ عرض کردند: این شخص فلان نام را دارد و در جفّر و یا رَمَل ماهر است و ضمیر افراد را هم می تواند بگوید (در فکر دیگران چه می گذرد را می تواند بفهمد).

استاد چون این را شنیدند تبسّمی نمودند و برای امتحان به او فرمودند: من در ضمیرم چیزی را گذراندم، اگر ضمیر افراد را می دانی بگو که من در ضمیرم چه گذراندم؟

آن شخص بعد از اندکی تأمل عرض کرد: شما در فکر خود گذراندی که آیا حضرت صاحب الأمر علیه السلام را دیده ام یا ندیده ام!



شیخ انصاری(ره) زمانی که این کلام را شنید حالت تعجب در ایشان ظاهر گردید اگر چه او را صریحاً تصدیق نمودند.

آن شخص عرض کرد: آیا در ضمیر شما همین نبود که گفتم؟

شیخ انصاری(ره) چیزی در جواب نمودند.

آن شخص برای گفتن جواب اصرار نمود. شیخ(ره) در مقام اقرار

فرمود: خوب، بگو بینم آیا دیده‌ام یا ندیده‌ام؟

آن شخص عرض کرد: آری، دوبار به خدمت آن حضرت شرفیاب

شده‌اید یک دفعه در سرداب مطهر و بار دوم در جای دیگر.

شیخ انصاری(ره) چون این کلام را از وی شنید مانند کسی که

نخواهد موضوع بیشتر از آن ظاهر گردد حرکت کردند.

تشرّف سید بحر العلوم(ره) و ارزش گریه بر

حضرت سید الشهداء علیه السلام

نقل شده است که روزی مرحوم سید بحر العلوم در حال حرکت به

سمت سامرا، درباره گریه بر امام حسین علیه السلام که گناهان را

می‌آمرزد در فکر بوده‌اند. در این هنگام در مقابل خود با عربی که بر

اسبی سوار بوده است، روبرو می‌شود.



اسب سوار سلام می کند و می پرسد: جناب سید شما را متفکر می بینم، در چه فکری هستید؟ اگر مسئله علمی هست سخن بگویید تا شاید من در آن مورد جوابی داشته باشم.

جناب بحرالعلوم می گوید: در این خصوص فکر می کردم که چگونه می شود که خدای متعال این همه ثواب بزرگترین و گریه کنندگان بر حضرت سیدالشهداء علیه السلام می دهد که در هر قدم که زائر بر می دارد ثواب یک حج و یک عمره در نامه عملش نوشته می شود و برای یک قطره اشک تمام گناهان کوچک و بزرگ او آمرزیده می شود؟

آن سوار عرب می فرماید: تعجب نکن، من برای شما مثلی می زنم که مشکل شما را حل کند. زمانی سلطانی از غلامان خود در شکار گاهش دور می افتد و در صحرا به خیمه بادیه نشینی وارد می شود. در آن سیاه چادر پیر زنی دید کهن سال به همراه پسری و در گوشه خیمه، آن دو یک بز شیر ده داشتند که با دوشیدن شیرش زندگی خود را سپری می کردند.

آن دو، بز را برای سلطان کشتند و غذایی حاضر کردند و این تمام چیزی بود که داشتند و این در حالی بود که نمی دانستند او سلطان است و فقط محض اکرام میهمان این کار را انجام دادند.



شب را سلطان آنجا ماند و روز بعد در دربار کیفیت جریان روز قبل را برای اطرافیان نقل نمود. سلطان چنین نقل کرد: زمانی که از غلامان دور افتادم تشنه و گرسنه بودم و در شدت گرمی هوا در بیابان به خیمه پیرزنی که همراه پسرش بود وارد شدم. آنها مرا نمی‌شناختند ولی تمام دارایی خود را که یک بز بود و از آن گذران زندگی می‌کردند کشتند و برای من کباب کردند. حال در عوض چه کنم که تلافی محبت این زن و پسرش شود؟ یکی گفت: صد گوسفند به او بدهید. دیگری از وزرا گفت: صد گوسفند و صد اشرفی بدهید. دیگری گفت: فلان مزرعه را به ایشان بدهید. سلطان گفت: هر چه بدهم کم است چرا که اگر سلطنت و تاج و تختم را هم بدهم آن وقت برابر کار آنها را کرده‌ام چرا که آنها هر چه را که داشتند بمن دادند. من هم هر چه را که دارم باید بایشان بدهم تا با عمل آنها برابر شوم. آن سوار عرب در ادامه فرمود: حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام هر چه داشت از مال و منال و اهل و عیال و برادر و دختر و خواهر و سر و پیکر در راه خدا داد. پس اگر خداوند بزرگترین و گریه‌کنندگان بر آن جناب آن همه اجر و ثواب دهد نباید تعجب نمود. ایشان این را فرمود و از نظر غائب گردید.



قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا
أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مَغْفُورًا لَهُ
أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ تَائِبًا
أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مُؤْمِنًا مُسْتَكْمِلَ الْإِيمَانِ
أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ بَشَّرَهُ مَلَكُ الْمَوْتِ بِالْجَنَّةِ ثُمَّ مُنْكَرٌ وَنَكِيرٌ
أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ يُزْفُ إِلَى الْجَنَّةِ كَمَا تُزْفُ الْعَرُوسُ إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا
أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ فَتُحَّ لَهُ فِي قَبْرِهِ بِابَانِ إِلَى الْجَنَّةِ
أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ جَعَلَ اللَّهُ قَبْرَهُ مَزَارَ مَلَائِكَةِ الرَّحْمَةِ
أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ عَلَى السُّنَّةِ وَالْجَمَاعَةِ
أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبًا بَيْنَ عَيْنَيْهِ آيسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ
أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ كَافِرًا
أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشُمَّ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ.

أوردها: الزمخشري في الكشاف، و الفخر الرازي في التفسير الكبير، و القرطبي

في تفسيره الجامع لاحكام القرآن.



نیایش

خداوندا، ما را توفیق طاعت، دوری از معصیت، درستی
در نیت و حقیقت معرفت عنایت فرما!
زبان ما را به صواب و حکمت جاری فرما، دیدگان ما را
از خیانت، و گوشهای ما را از شنیدن بیهوده و غیبت باز دار!
دانشمندان ما را به زهدورزی و نصیحت، دانشجویان را به
دانشاندوزی و رغبت، شنوندگان ما را به گوش دادن و
متابعت، بیماران ما را بشفا و صحت و درگذشتگان ما را به
لطف و مرحمت و پیران را به وقار و مهابت و جوانها را به
توبه و انابت و زنها را به حیا و عفت و توانمندان را به فروتنی
و وسعت و بیچارگان را به صبر و قناعت روزی فرما.

«آمین یا رب العالمین»



فهرست مطالب

- فرازی از خطبه غدیر ۵
- روایاتی از معصومین در باره امام زمان (عج) ۸
- پند اندیش‌ها ۱۵
- آشنایی با خوبان ۱۷
- انتظار ۲۰
- دعای عهد ۲۱
- تشرّف سید بحر العلوم در حین نماز جماعت ۲۴
- تشرّف شیخ انصاری ۲۵
- تشرّف سید بحر العلوم (ره) و ارزش گریه بر حضرت سید
الشهداء علیه السلام ۲۶
- نیایش ۳۰

اللَّهُمَّ طَلِّعْ عَلَاكَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُم



از فرمایشات حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام)

- * آنچه بر قضا و قدر فائق آید - صبر است
- * آنچه که آدمی را صیقل می‌دهد - کار است
- * آنچه که برای مرد ننگ است - غصه است
- * آنچه که پیش از مرگ آدمی را می‌کشد - نومیدی است
- * آنچه که کمش زیاد است - دشمن است
- * آنچه زیادش هم کم است - ایمان و جوانمردی است
- * آنچه که هر چه دراز باشد کوتاه است - عمر است
- * آنچه که از علم بهتر است - تجربه است



- < اگر پروردگار کفیل است - غصه چرا؟
- < اگر رزق تقسیم شده است - حرص چرا؟
- < اگر دنیا فریبنده است - اعتماد به آن چرا؟
- < اگر بهشت حق است - تظاهر به ایمان چرا؟
- < اگر قبر حق است - آرزوهای بیهوده چرا؟
- < اگر جهنم حق است - اینهمه ناحق چرا؟
- < اگر حساب حق است - جمع مال حرام چرا؟
- < اگر قیامت حق است - خیانت به مردم چرا؟
- < اگر دشمن انسان شیطان است - پیروی از او چرا؟

